

«ارتباط میان توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در استان‌های ایران»

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه

DOI:10.22034/jeds.2024.57685.1740

دیجیتال:

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

عزت‌الله میرزایی*^۱

احسان عسگری^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف نیل به ارتباط و نسبت میان دو مقوله توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در استان‌های ایران به رشته تحریر در آمده است؛ زیرا نسبت عدالت (عدم نابرابری) و توسعه همواره موضوعی چالش برانگیز بوده است. در حالی که اقتصاددانان اولیه توسعه، هر نوع سمت‌گیری معطوف به عدالت را به ضرر نظام اقتصادی می‌دانستند و نابرابری فزاینده داخلی را به عنوان نتیجه ناگزیر توسعه مسلم فرض می‌کردند، اما با گذشت زمان مشخص شد که شرایط عادلانه جزو متغیرهای بسیار مهم عملکرد مطلوب اقتصادی محسوب می‌گردد؛ به گونه‌ای که تقریباً تمام عوامل بازتولیدکننده توسعه‌نیافتگی ریشه در غفلت از مسئله عدالت اجتماعی دارد. این پژوهش از حیث نوع مطالعه، تحقیقی تبیینی است که در مقام آزمون مدعا یا مقابله فرضیه‌های نظری با واقعیت‌هایی که بر آن‌ها دلالت دارند، از روش تطبیقی کمی درون کشوری استفاده نموده و در آن، واحد تحلیل و مشاهده «استان/سال» و سطح تحلیل «ایران» با طرح تحقیق طولی برای دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ مطرح نظر بوده است. چنانچه نتایج و یافته‌های این تحقیق دال بر این بود که میان دو مقوله توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی ارتباط خطی منفی معنادار با شدت نسبتاً متوسط دیده شد.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی-اجتماعی، عدالت اجتماعی، نابرابری اجتماعی، استان‌های ایران

مقدمه و بیان مسئله

بدون شک در هر جامعه و ساختار اجتماعی دو مقوله بسیار مهم در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی عبارتند از توسعه‌یافتگی و برقراری عدالت و برابری اجتماعی (راج و همکاران^۱، ۲۰۲۳). دو مقوله‌ای که علاوه بر اهمیت فوق‌العاده در مباحث سیاست‌گذاری اجتماعی، دارای در هم تنیدگی و پیچیدگی خاصی نیز بوده و همین عوامل باعث شده تا همواره و به‌خصوص طی سده اخیر، انواع مجادلات و منازعات میان نظریه‌پردازان و اندیشمندان مختلف حول ارتباط میان آنها شکل بگیرد.

مفاهیم اجتماعی به معنای عام و مفاهیم مورد بحث در این پژوهش به طور خاص، همواره دارای ارتباط متقابل، دوگانه و یا چندگانه با هم هستند و چنانچه در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی از چنین ارتباط و تعاملاتی غفلت شود، چه بسا ممکن است ساختار و نظم آن جامعه با مشکل و خلل مواجه گردد (آمارانت و همکاران^۲، ۲۰۲۳؛ واران^۳، ۲۰۲۳؛ آسا و پاسانن^۴، ۲۰۲۱). در این میان و با تکیه بر انواع دیدگاه و الگوهای نظری به راحتی می‌توان به ارتباط میان دو مقوله توسعه اقتصادی - اجتماعی^۵ و نابرابری اجتماعی^۶ دست پیدا نمود؛ اما آنچه مشکل‌ساز و منشأ ایجاد نوعی مسئله و سردرگمی می‌باشد، این است که چنین ارتباطی در هر ساختار و جامعه‌ای و حتی درون هر ساختاری ممکن است متفاوت و گاه متناقض باشد.

به واقع، در مورد اهمیت و سابقه تاریخی مفاهیم توسعه‌یافتگی و برابری و عدالت اجتماعی باید اذعان نمود که هرچند این مفاهیم در ادبیات نظری و تجربی از سابقه‌ای دیرین برخوردارند و همواره تحقق آنها برای همه جوامع در اولویت نخست بوده است، اما بررسی و مذاقه ارتباط میان آنها سابقه کمتری داشته و از جمله مسائل و موضوعات بنیادین و مهمی بوده است که اندیشمندان مختلف در حوزه‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و ... را متأثر ساخته است. طی تقریباً یک سده پیش، انواع مجادلات و تناقضات از حیث ارائه چنین ارتباطی میان اندیشمندان مختلف شکل گرفته است. در جامعه ایران نیز این امر به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به صورت چشمگیر دنبال شده و هرکدام از دولت‌ها سعی داشته‌اند به نوعی در پاسخ به این مسئله، اولویت خود را بر تحقق یک یا هر دوی آنها قرار دهند. البته در مورد مفهوم توسعه‌یافتگی، گاه این موضوع به ذهن متبادر می‌شود که بدون ارتباط با جوامع پیشرفته و قوی اساساً دستیابی به درجه‌ای از توسعه‌یافتگی دشوار می‌باشد، چه بسا چنین فرضیه‌ای نیز می‌تواند درست باشد و به همین خاطر

1. Roach et al.

2. Amarante et al.

3. Varane

4. Assa & Pasanen

5. Economic and social development

6. social inequality

این موضوع در جامعه ایران پس از انقلابی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. زیرا انقلاب اسلامی که در ایدئولوژی و ارزش‌های خود چیزی در نقطه مقابل تجربه تمدنی و ارزش‌های غربی تلقی می‌شد، به واقع با پیروزی چنین انقلابی بسیاری از ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی تثبیت و همچنین به مقابله با فرهنگ غربی پرداخته شد که همه اینها از یکسو به معنای عدم پذیرش تجربه‌های غربی و از سوی دیگر به معنای خارج کردن جامعه از ذیل تمدن و ارزش‌های غرب بود.

با این توضیح بایستی اذعان نمود که توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی مسائلی هستند که در بین موضوعات مختلف و مسائل متنوع و قابل طرح در این جامعه از اهمیت زیادی برخوردارند؛ چرا که پاسخ برخی از مهمترین مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی امروز جامعه نه تنها ایران، بلکه سایر جوامع نیز در گرو نوع برخوردی است که سیاست‌گذاران اجتماعی، جامعه و نخبگان با موضوع توسعه‌یافتگی خواهند داشت. در همین راستا و با درک چنین ضرورتی در سال ۱۹۹۹ میلادی مؤسسه جهانی پژوهش‌های اقتصاد توسعه^۱، نتایج تحقیقاتی را منتشر کرد که سؤال اصلی آن این بود که از تجربه توسعه قرن بیستم چه چیزهایی برای قرن بیست و یکم می‌توان آموخت. نتایج نشان داد که تقریباً تمام عوامل بازتولیدکننده توسعه‌نیافتگی ریشه در غفلت از مسئله عدالت اجتماعی و نابرابری‌های فاقد توجیه در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی دارد (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۲۸۵).

از این‌رو، انکشاف چنین رابطه‌ای میان مقوله‌های مزبور بسیار مهم و ضروری است. البته شاید بتوان اذعان نمود که در سطح کشوری و به صورت کلان، تحقیقات زیادی به‌خصوص در حوزه علم اقتصاد و با روش‌های متفاوت شکل گرفته است، اما آنچه در این پژوهش بسیار قابل مذاقه و تأمل است، پرداختن به این مسئله و ارتباط در سطح استانی می‌باشد که تا بحال هیچ‌گونه پژوهشی در جامعه ایران و در چنین سطحی (پساانقلابی) به نگارش در نیامده است. بنابراین پژوهش حاضر در پی آزمون این ادعا و پیشفرض خواهد بود که ارتباط میان دو مقوله توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در سطح استان‌های ایران به اشکال خطی و یا منحنی می‌باشد.

پیشینه نظری و تجربی

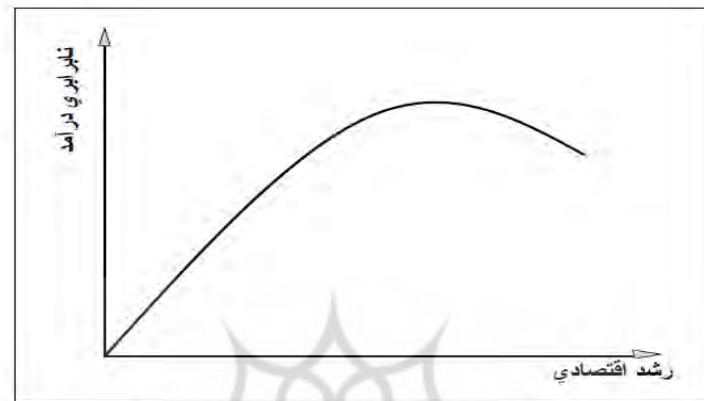
همانطور که ذکر گردید، منازعه بین اندیشمندان و نظریه‌پردازان در حوزه‌های مختلف در ارتباط با این که توسعه مقدم است یا عدالت یا چه رابطه‌ای می‌توان بین این دو مقوله مهم شناسایی نمود، همواره وجود داشته است. با نگاهی به انواع الگو و دیدگاه‌های نظری که در این راستا به بحث و

1. WIDER (Global Development Economics Research Foundation)

تأمل پرداخته‌اند، انواع الگوهای نظری که گاهاً با هم متناقض نیز می‌باشند، دیده شده است. بدین معنا که برخی اندیشمندان (تمیزی‌فر و همکاران، ۱۳۹۹؛ اولزاک و همکاران^۱، ۱۹۹۶؛ مولر^۲، ۱۹۹۵) با استناد به داده‌های تجربی جوامع خاصی به این نتیجه رسیده‌اند که میان دو مؤلفه توسعه و نابرابری نوعی ارتباط به شکل خطی مثبت و در مقابل، برخی نیز معتقد به ارتباطی به شکل خطی منفی میان آنها بوده‌اند (راج و همکاران، ۲۰۲۳؛ سو و همکاران^۳، ۲۰۲۳؛ آسا و پاسانن، ۲۰۲۱). برخی قائل به ارتباط به شکل U (راجان و زینگالس^۴، ۲۰۰۳؛ کلارک و همکاران^۵، ۲۰۰۶) و برخی برعکس، قائل به ارتباط به شکل U وارون میان دو مقوله توسعه و نابرابری بوده‌اند (آمارانت و همکاران، ۲۰۲۳؛ تودارو و اسمیت، ۲۰۲۱؛ بارسنا و همکاران^۶، ۲۰۲۰؛ امیراحمدی، ۱۳۷۵ الف؛ امیراحمدی، ۱۳۷۵ ب). بنابراین، ملاحظه می‌شود که انواع مختلفی از ارتباط میان دو مقوله مزبور در جوامع مختلف دیده شده است. در واقع، این مناقشات نظری از دهه ۱۹۷۰ به بعد شکل جدی‌تری به خود گرفته و اندیشمندان سعی نموده‌اند در جوامع مختلف به آزمون چنین الگوهایی بپردازند. به نظر می‌رسد اگر قصد بر این باشد که به ارائه الگوهایی جامع و خلاصه شده پرداخت، بهتر است به الگوهای خطی (مثبت و منفی) و شکل U (وارون و غیر وارون) اشاره نمود. بدون شک اولین و مهمترین دیدگاه نظری در رابطه با ارتباط میان دو مقوله توسعه یافتگی و نابرابری به الگوی نظری کوزنتس^۷ بر می‌گردد. کوزنتس (۱۹۵۵) با تکیه بر اطلاعات و داده‌های سه کشور آلمان، انگلستان و آمریکا به این نتیجه دست یافت که نوعی ارتباط به شکل U وارون میان دو مقوله توسعه و نابرابری دیده شده است. به اعتقاد وی، در مراحل ابتدایی رشد و توسعه یافتگی، میزان بالایی از نابرابری وجود دارد که به مرور زمان این نابرابری کم شده و در نهایت در طولانی مدت، نابرابری روند نزولی پیدا خواهد کرد (تودارو و اسمیت^۸، ۲۰۲۱؛ بارسنا و همکاران، ۲۰۲۰). در واقع، کوزنتس برای کشف چنین رابطه‌ای به توسعه اقتصادی به عنوان فرآیندگذار از اقتصاد سنتی (روستایی) به اقتصاد نوین (شهری) نگاه کرده و به این نتیجه دست پیدا نموده است که در مراحل اولیه توسعه، توزیع درآمد رو به وخامت می‌گذارد. زیرا بر اثر این تحوّل و گذار، تعداد کمی از مردم این توانایی را دارند که به بخش نوین یا مدرن منتقل شوند و بدین روی، اختلاف سطح دستمزد بین بخش سنتی و نوین زیاد می‌گردد، اما در مراحل بعدی توسعه، توزیع درآمد رو به بهبود می‌گذارد؛ زیرا شمار بیشتری از مردم جذب بخش نوین می‌شوند و به تدریج به دلیل کمیابی نیروی کار در بخش

-
1. Olzak et al.
 2. Muller
 3. Seo et al.
 4. Rajan & Zingales
 5. Clarke et al.
 3. Barcena et al.
 7. Kuznets
 8. Todaro & Smith

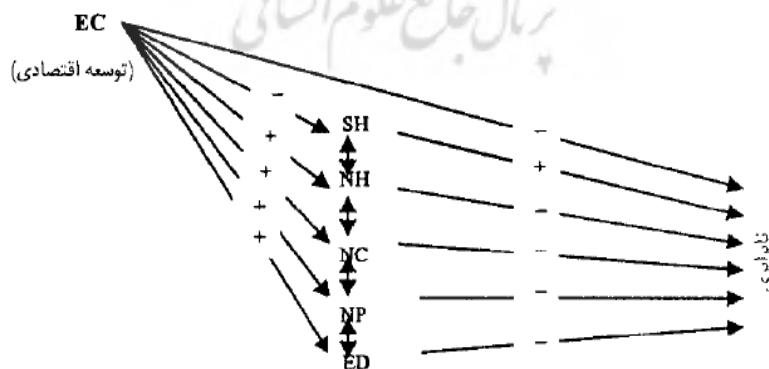
سنتی، سطح دستمزد در بخش سنتی هم افزایش می‌یابد و به سطح دستمزد بخش نوین نزدیک می‌گردد (تودارو و اسمیت، ۲۰۲۱؛ مهرگان و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۰-۵۹). چنانچه منحنی وارون U مدّ نظر وی در ذیل آمده است:



شکل شماره ۱: منحنی وارون U فرضیه کوزنتس

منبع: ر.ک. به کوزنتس، ۱۹۵۵؛ تودارو و اسمیت، ۲۰۲۱؛ مهرگان و همکاران، ۱۳۸۷

چلبی (۱۳۹۵) یکی دیگر از نظریه‌پردازان و اندیشمندان در این حوزه می‌باشد که در کتاب «جامعه‌شناسی نظم»، سعی نموده است به ارتباط میان دو مقوله توسعه‌یافتگی و نابرابری بپردازد. وی با تکیه بر برخی متغیرهای میانجی نظیر تعداد مواضع، تعداد سازمان‌ها و کنشگران جمعی و ... معتقد است که میان دو مقوله توسعه‌یافتگی و نابرابری، ارتباطی به شکل خطی منفی دیده شده است؛ بدین معنا که هرچه توسعه‌یافتگی بیشتر گردد، نابرابری کاهش می‌یابد و بالعکس. در ذیل، الگوی نظری مدّ نظر وی آمده است:



شکل شماره ۲: مدل تحقیق چلبی

منبع: چلبی، ۱۳۹۵

رفیع‌پور (۱۳۹۴) نیز با تکیه بر اطلاعات تئوریک بعضی اندیشمندان چون مولر (۱۹۹۵)، ترنر و دسیلی^۱ (۱۹۹۳)، روشه مایر و همکاران^۲ (۱۹۹۲)، لیپست^۳ (۱۹۵۹)، اولسون^۴ (۱۹۶۳)، اشنایدر^۵ (۱۹۸۶)، لرنر^۶ (۱۹۵۸)، سگر^۷ (۱۹۷۸)، اولزاک و همکاران (۱۹۹۶) و هابر^۸ (۱۹۸۸) معتقد است که رشد اقتصادی سریع و مدرنیزه کردن جامعه موجب تشدید نابرابری می‌شود. استدلال وی بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران آن است که در پی مدرنیزه کردن جامعه، سطح تحصیلات مردم بالا رفته و به تبع آن قشر متوسط بوجود می‌آید. در نتیجه این دو عامل، سطح توقع مردم از نظام سیاسی بالا رفته و انتظار آنها از بسط دموکراسی افزایش می‌یابد که این فرآیند (بالا رفتن سطح توقع از حکومت و انتظار دموکراسی) با گسترش صنعت و پیدایش قشر کارگر به وجود خواهد آمد. رفیع‌پور در نهایت و با استناد به نتایج تحقیقات تطبیقی بین‌کشوری برخی دانش‌پژوهان نتیجه می‌گیرد که رشد و توسعه اقتصادی باعث پیدایش نابرابری، نابرابری موجب کاهش دموکراسی، و کاهش دموکراسی موجب رکود اقتصادی می‌گردد (رفیع‌پور، ۱۳۹۴: ۵۴۷).

برای آزمون این دیدگاه‌های نظری تحقیقاتی صورت گرفته است و هرکدام به نتایج متفاوتی دست پیدا نموده‌اند. جدول ذیل برای ارائه خلاصه‌ای از این تحقیقات پیشین تعبیه شده است:

جدول شماره ۱: خلاصه‌ای از تحقیقات پیشین

ردیف	عنوان	گردآورنده / گردآوردگان	سال	یافته اصلی
۱	نسبت توسعه و نابرابری در ایران	عظیمی دولت‌آبادی و عسگری	۱۴۰۲	تأیید فرضیه کوزنتس
۲	تحلیل جامعه‌شناختی توسعه و نابرابری در ایران	تمیزی‌فر و همکاران	۱۳۹۹	تأیید رابطه خطی مثبت بین توسعه و نابرابری
۳	بررسی رابطه غیرخطی نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی: مطالعه موردی ایران	اشرفی و همکاران	۱۳۹۷	رد فرضیه کوزنتس
۴	بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۵۰ بر اساس رهیافت رگرسیون غیر خطی انتقال ملایم	دهقانی و همکاران	۱۳۹۶	تأیید فرضیه کوزنتس

1. Turner and Desily
2. Rochemeyer & et al
3. lipset
4. Olson
5. Schneider
6. Lerner
7. Segar
8. Huber

۵	تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا؛ رهیافت اقتصادسنجی فضایی	حسین‌زاده	۱۳۹۶	تأیید فرضیه کوزنتس
۶	توسعه مالی، نابرابری درآمد و فقر در ایران	افشاری و بیگزاده	۱۳۹۶	تأیید فرضیه کوزنتس

ادامه جدول شماره ۱

ردیف	عنوان	گردآورنده / گردآوران	سال	یافته اصلی
۷	بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران	باقری	۱۳۹۴	تأیید رابطه خطی منفی بین رشد و نابرابری
۸	تأثیر توسعه مالی بر نابرابری توزیع درآمد (مطالعه موردی منتخبی از کشورهای در حال توسعه)	صامتی و سجادی	۱۳۹۱	تأیید رابطه خطی منفی بین توسعه و نابرابری
۹	بررسی تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران	قنبری و همکاران	۱۳۹۰	تأیید رابطه خطی منفی بین توسعه و نابرابری
۱۰	اثرات توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران	دهمرده و شکری	۱۳۸۹	تأیید رابطه خطی منفی بین توسعه و نابرابری
۱۱	تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری در کشورهای عضو اوپک	عصاری‌آرانی و همکاران	۱۳۸۸	تأیید رابطه خطی منفی بین توسعه و نابرابری
۱۲	بررسی آزمون فرضیه کوزنتس - اهلوالیاء در مناطق روستایی ایران	باقرزاده و کمیجانی	۱۳۸۸	تأیید فرضیه کوزنتس
۱۳	رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه	صادقی و همکاران	۱۳۸۸	تأیید رابطه خطی منفی بین رشد و نابرابری
۱۴	رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران	مهرگان و همکاران	۱۳۸۷	تأیید رابطه خطی منفی بین رشد و نابرابری
۱۵	بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران	مهدوی‌عادلی و رنجبرکی	۱۳۸۴	رد فرضیه کوزنتس
۱۶	پویایی شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران	امیراحمدی	۱۳۷۵	تأیید فرضیه کوزنتس
۱۷	توسعه نابرابر استان‌ها در ایران	امیراحمدی	۱۳۷۵	تأیید فرضیه کوزنتس
مطالعات خارجی				
۱۸	نابرابری اجتماعی و اقتصادی	راج و همکاران	۲۰۲۳	تأیید رابطه خطی منفی بین رشد و نابرابری
۱۹	نابرابری، حمایت اجتماعی و حق توسعه	واران	۲۰۲۳	تأیید رابطه خطی منفی بین رشد و نابرابری
۲۰	نابرابری و ساختار تولیدی	آمارانت و همکاران	۲۰۲۳	وجود رابطه غیرخطی و تأیید فرضیه کوزنتس
۲۱	کمترین توسعه یافتگی؛ ناهموارترین: نابرابری و توسعه پایدار	آسا و پاسانن	۲۰۲۱	تأیید رابطه خطی منفی بین رشد و نابرابری
۲۲	توسعه یافتگی اقتصادی	تودارو و اسمیت	۲۰۲۱	تأیید فرضیه کوزنتس

۲۳	دستور کار ۲۰۳۰ و اهداف توسعه پایدار؛ فرصتی برای آمریکای لاتین و دریای کارائیب	بارسا و همکاران	۲۰۲۰	تأیید فرضیه کوزنتس
۲۴	رابطه پویا بین نابرابری و رشد اقتصادی	سو و همکاران	۲۰۲۰	تأیید رابطه خطی منفی بین رشد و نابرابری

ادامه جدول شماره ۱

ردیف	عنوان	گردآورنده / گردآوردگان	سال	یافته اصلی
۲۵	سطح توسعه یافتگی، نرخ رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی	چانگ و رام ^۱	۲۰۰۰	تأیید رابطه خطی منفی بین رشد و نابرابری
۲۶	سطح توسعه اقتصادی و نابرابری درآمدی: شواهدی از جهان توسعه یافته بعد از جنگ	رام	۱۹۹۷	رد فرضیه کوزنتس
۲۷	توزیع درآمدی، ثبات سیاسی و سرمایه گذاری	آلسینا و پروتی ^۲	۱۹۹۶	تأیید رابطه خطی منفی بین رشد و نابرابری
۲۸	نابرابری درآمدی، توسعه یافتگی و دوگانگی	نیلسن و آلدerson ^۳	۱۹۹۵	تأیید فرضیه کوزنتس
۲۹	نابرابری درآمدی و توسعه صنعتی	نیلسن	۱۹۹۴	تأیید فرضیه کوزنتس
۳۰	توسعه اقتصادی و نابرابری درآمدی	رام	۱۹۸۸	تأیید فرضیه کوزنتس در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته با هم
۳۱	نابرابری، فقر و توسعه یافتگی	اهلووالیا ^۴	۱۹۷۶	تأیید فرضیه کوزنتس

تحقیقات قبلی داخلی همگی در سطح کشوری و آن هم طی مقاطع خاصی صورت گرفته‌اند و هرکدام به نتایج متفاوتی دست پیدا کرده‌اند و آنچه پژوهش حاضر را با این تحقیقات پیشین متمایز می‌کند، این است که تابحال هیچ‌گونه تحقیقی شکل نگرفته است که توانسته باشد در سطح استانی به آزمون این ارتباط پرداخته باشد و به علاوه، بازه زمانی ۳۱ ساله در این پژوهش بسیار مطمح نظر بود.

در باب نابرابری در سطح استان‌های ایران، نتایج تحقیقات قنبری (۱۳۹۰) و جمالی و همکاران (۱۳۸۹) نشان می‌دهند که عوامل مختلفی نظیر جغرافیایی، فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، زیربنایی، بهداشتی و درمانی و ... در تکوین نابرابری در ایران سهمیم بوده‌اند و هیچکدام از عوامل به تنهایی نتوانسته‌اند توجیه‌کننده عقب ماندگی و نابرابری میان نواحی باشد؛ زیرا نابرابری عنصر پیچیده‌ای

1. Chang & Ram
2. Alsina & Perotti
3. Nielsen & Alderson
4. Ahluwalia

است که مجموعه‌ای از عوامل منجر به ظهور آن می‌شود. چنانچه نتایج تحقیق قنبری (۱۳۹۰) دال بر آن بوده است که عوامل اقتصاد سیاسی و نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌های کلان نقش بیشتری نسبت به سایر عوامل در تکوین و تشدید نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران داشته‌اند. نتایج پژوهش جمالی و همکاران (۱۳۸۹) نیز که در سطح استان آذربایجان شرقی نگارش شده است، دال بر این بود که به ترتیب سهم شاخص‌های بهداشتی و درمانی، مسکن و زیربنایی، ورزشی و اقتصادی در تخمین درجه توسعه یافتگی و در نتیجه کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای بیشتر می‌باشد. همانطور که ملاحظه شد، هرچند مطالعه قنبری (۱۳۹۰) در سطح استان‌های ایران انجام شده، اما در درون آن به ارتباط میان توسعه یافتگی و نابرابری اشاره نشده و فقط علل وقوع نابرابری مطرح نظر قرار گرفته است.

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در سطح استان‌های ایران ارتباط سهمی به شکل وارون U وجود دارد.
۲. بین توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در سطح استان‌های ایران ارتباط خطی منفی وجود دارد.
۳. بین توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در سطح استان‌های ایران ارتباط خطی مثبت وجود دارد.

مدل مفهومی تحقیق

مدل زیر خلاصه‌ای از چارچوب در نظر گرفته شده برای بیان رابطه میان دو متغیر توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی می‌باشد که به صورت تلخیص شده با دو واژه توسعه و نابرابری به کار رفته است (علامت + به معنای شکل رابطه به صورت خطی مثبت؛ علامت - به معنای شکل رابطه به صورت خطی منفی؛ علامت + - به معنای شکل رابطه به صورت ابتدا خطی مثبت و سپس خطی منفی می‌باشد).



شکل شماره ۳: مدل مفهومی تحقیق

منبع: نویسندگان

روش‌شناسی

نوشتار حاضر از حیث نوع مطالعه، تحقیقی تبیینی بوده که در مقام آزمون مدعا یا مقابله فرضیه‌های نظری با واقعیت‌هایی که بر آن‌ها دلالت دارند، از روش تطبیقی کمی درون کشوری با طرح تحقیق طولی بهره برده است.

در پژوهش حاضر، واحد تحلیل و مشاهده «استان / سال» و سطح تحلیل «ایران» برای دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ بود. انتخاب این دوره زمانی بدین علت صورت گرفت که با توجه به گذشت بیش از چهار دهه از عمر جمهوری اسلامی ایران، دو مقوله توسعه و عدالت همواره و طی سال‌های مذکور از اهداف دولت‌های مختلف بوده است. هرچند اولویت و اهمیت هریک از این دو مقوله در دولت‌های پس از انقلاب و جنگ تحمیلی متفاوت بوده است.

به اقتضای فرضیه‌های تبیینی ارائه شده که خصلت عام دارند، قاعدتاً جمعیت یا جامعه آماری این تحقیق نیز باید شامل کلیه استان‌های ایران می‌بود که البته از سال‌های قبل از ۱۳۶۸ به دلیل درگیر بودن کشور در جنگ تحمیلی صرفنظر شد. به عبارت دیگر، چون واحد تحلیل گزاره‌های تئوریک این تحقیق معطوف به سال / استان بود، جمعیت تحقیق را ماتریس سال‌های مورد مطالعه در استان تشکیل داد که بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ را در بر گرفت. البته لازم به

۱. همانطور که گفته شد از بازه زمانی قبل از سال ۱۳۶۸ به خاطر درگیر بودن کشور در جنگ تحمیلی صرفنظر شد و بعد از سال ۱۳۹۸ نیز اطلاعات جدیدی از سالنامه‌های آماری کشور و سایر منابع ثانویه در مقطع نگارش مقاله در دسترس نبود و اکنون نیز بروزرسانی از داده‌های مرکز آمار صورت نگرفته و داده‌های جدیدی از حیث شاخص‌های مزبور دیده نشده است. به همین‌خاطر، بازه زمانی تحقیق به این سال ختم شد.

ذکر است از آنجایی که برخی استان‌های ایران از سال خاصی تبدیل به استان گشته‌اند و از زمان آغازین موردنظر این پژوهش (سال ۱۳۶۸) استان نبوده‌اند، بنابراین کاهش جمعیت آماری بدین دلیل بوده است.

طولانی بودن دوره زمانی مورد بررسی از این حیث حائز اهمیت بود که برای بررسی ارتباط میان دو مقوله توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی، بتوان به درکی جامع و درازمدت از این مسئله نائل آمد. به عبارتی دیگر، طولانی بودن دوره زمانی مورد بررسی برای آشکار شدن تأثیر متغیرها و همچنین آزمون برخی از فرضیه‌ها که خصلت طولی دارند، امری ضروری بود تا بر این اساس بتوان در سطح سری زمانی یا طولی فرضیه‌های موردنظر در این پژوهش را مورد سنجش و آزمون قرار داد. چنانچه در این پژوهش متغیرهای امید به زندگی، آموزش (نسبت باسوادان)، تولید ناخالص داخلی، شهری شدن و صنعتی شدن (مصرف برق صنعتی) به‌عنوان مهمترین شاخص‌های توسعه یافتگی اقتصادی-اجتماعی و همچنین تک مقوله ضریب جینی نیز به‌عنوان مهمترین شاخص نابرابری اجتماعی مورد بحث و واکاوی قرار گرفتند. علت اینکه فقط از یک معرف یا شاخص استفاده شد، به این بر می‌گردد که با مراجعه به مراکز مختلف از جمله مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه و ... فقط دسترسی به داده‌های ضریب جینی امکانپذیر بود.

ذیلاً به تعاریف متغیرهای اصلی تحقیق (توسعه اقتصادی - اجتماعی و نابرابری اجتماعی) و شاخص‌های مربوط به آنها پرداخته شده است:

توسعه اقتصادی - اجتماعی

مفهوم توسعه اقتصادی- اجتماعی را می‌توان از حیث نظری به معنای بکارگیری علوم و فنون جدید برای ایجاد تحولات نهادی در جهت افزایش توانایی مداوم تولید و بالتبع مصرف کالاهای صنعتی دانست. اگرچه، در مطالعات بین‌کشوری و درون‌کشوری مفهوم توسعه اقتصادی- اجتماعی به طرق گوناگون عملیاتی شده و مورد سنجش قرار گرفته است، ولی سرانته تولید ناخالص داخلی هنوز هم متداول‌ترین معرف تجربی برای آن محسوب می‌شود. از سویی دیگر، اگر صنعتی شدن را واجد قرب مفهومی بیشتر برای مفهوم توسعه اقتصادی-اجتماعی در نظر بگیریم، متغیر «صنعتی شدن» را بایستی معرف یا نماگر مناسب‌تری نسبت به سرانته تولید ناخالص داخلی محسوب نماییم. همچنین، چون در فرآیند توسعه و صنعتی شدن به دلیل مهاجرت روستائیان به شهرها، جمعیت شهرها بسیار افزایش می‌یابد، بسیاری از پژوهشگران حوزه تطبیقی، متغیر شهرنشینی را معرف مناسبی برای مفهوم توسعه اقتصادی- اجتماعی محسوب نموده‌اند (طالبان، ۱۳۸۹: ۱۵۵). بنابراین، در این پژوهش، پس از استانداردسازی معرف‌های توسعه انسانی (سرانه تولید ناخالص داخلی، امید به زندگی در بدو تولد، باسوادی)، صنعتی شدن، شهرنشینی و ترکیب آنها با یکدیگر و

همچنین مشورت با اساتید و خبرگان این حوزه، سازه کلی توسعه یافتگی اقتصادی - اجتماعی در سطح استانی مورد سنجش قرار گرفت.

• سرانه تولید ناخالص داخلی

سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه یافتگی در هر جامعه‌ای تلقی می‌گردد. این شاخص در واقع ارزش بازاری (پولی) تمامی کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای یک کشور طی دوره زمانی خاص را شامل می‌گردد که بررسی هر کدام از عبارات این تعریف نشان می‌دهد که اولاً وقتی می‌گوییم تمامی کالاها و خدمات، منظور این می‌باشد که سرانه تولید ناخالص داخلی می‌تواند انواع کالاها مشهود (مانند خوراکی‌ها، پوشاک، خودرو) و کالاها نامشهود یا خدمات (مانند آرایشگاه، خشک‌شویی، معاینه پزشکی) را در برگیرد. دوم اینکه وقتی ذکر می‌گردد که تمامی کالاها و خدمات نهایی را شامل می‌گردد، بدین معناست که در محاسبه سرانه تولید ناخالص داخلی تنها کالاها و خدمات نهایی وارد می‌شوند و کالا و خدمات واسطه‌ای محاسبه نمی‌گردند. سوم اینکه ارزش بازاری تمامی کالاها و خدمات نهایی، بدین معناست که برای اینکه بتوانیم ارزش کالاها گوناگون را نسبت به هم بسنجیم و همچنین آنها را با هم جمع کنیم، باید ارزش بازاری آنها را در نظر بگیریم. چهارم اینکه وقتی ذکر می‌شود ارزش بازاری تمامی کالاها و خدمات نهایی که در یک دوره زمانی خاص تولید شده‌اند، در واقع بدین معناست که در سرانه تولید ناخالص داخلی تنها ارزش کالاهایی محاسبه می‌شود که در یک دوره زمانی خاص تولید شده باشند که این دوره زمانی عموماً یک سال یا یک فصل است (منکیو، ۱۳۹۵: ۳۸۵-۳۷۸؛ نظری، ۱۴۰۰). در نهایت ارزش بازاری تمامی کالاها و خدمات نهایی که در یک دوره زمانی خاص در داخل مرزهای یک کشور (در اینجا سطح استانی) تولید شده‌اند، به عنوان سنجش متغیر مزبور در نظر گرفته شده است. داده‌های آن از سالنامه‌های آماری سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۸ استخراج گردید.

• امید به زندگی در بدو تولد

این شاخص که بیانگر طول عمر است، تعداد سال‌های مورد انتظار هر فرد برای زندگی در بدو تولد را نشان می‌دهد که طبق تعریف برگرفته از سالنامه آماری کشور (۱۳۹۴) عبارت است از تعداد سال‌هایی که یک نوزاد زنده به دنیا آمده بتواند عمر کند، به شرط اینکه الگوهای رایج نرخ‌های مرگ و میر ویژه سنی در بدو تولد در طول حیات آن نوزاد به همان صورت باقی بماند. داده‌های آن از سالنامه‌های آماری سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۸ استخراج گردید.

• باسوادی

با استناد به سالنامه آماری کشور (۱۳۹۴) باسواد در سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، تمام کسانی که می‌توانند متن ساده‌ای را به فارسی و یا هر زبان دیگری بخوانند و بنویسند، خواه مدرک رسمی داشته یا نداشته باشند؛ در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن (۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵)، تمامی نوآوران سال اول ابتدایی و سوادآموزان کلاس‌های نهضت سوادآموزی؛ در سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۵۵)، تمامی نوآموزان سال اول ابتدایی و سوادآموزان کلاس‌های اکابر و پیکار؛ در سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۴۵)، تمام کسانی که حداقل دارای گواهی نامه سال اول ابتدایی بوده‌اند را شامل گردیده است. همچنین ذکر این نکته نیز لازم و ضروری است که برای سنجش میزان و وضعیت سواد، در سرشماری (۱۳۴۵) از افراد ۷ ساله و بیشتر و در سرشماری‌های (۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۵) نیز از افراد ۶ ساله و بیشتر سؤال شده و این جمعیت مدنظر بوده است. داده‌های آن از سالنامه‌های آماری سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۸ استخراج گردید.

• صنعتی شدن (مصرف برق صنعتی)

صنعتی شدن فرآیندی است که طی آن اقتصاد از حالت ابتدایی (مبتنی بر کشاورزی و زراعت) به مرحله‌ای پیشرفته و پیچیده‌تر می‌رسد که بر اساس آن رشد تکنولوژیکی را شاهد هستیم و در اقتصاد جوامع، تولید و ساخت انبوه مکانیزه انواع کالاها جایگزین تولیدات یدی می‌شود که چنین فرآیندی در میان مدت و طولانی مدت می‌تواند زمینه نیل به توسعه اقتصادی و استفاده عظیم از انواع نوآوری‌های تکنولوژیکی را مهیا نماید. در مورد شاخص‌های این مفهوم بایستی اذعان نمود که در هر جامعه‌ای این شاخص‌ها می‌توانند متفاوت باشد و اساساً بسیار مشکل است تا بتوان به نوعی جمع‌بندی و اجماع در این زمینه رسید. تولید ناخالص ملی، رشد تولید ناخالص ملی، سرانه مصرف انرژی، تعداد کارخانجات صنعتی، میزان و رشد اشتغال در زمینه صنعت و ... از جمله شاخص‌هایی هستند که هم در سطح درون کشوری و هم در سطح بین کشوری مطرح می‌باشند. زیرا اساساً برخی از آنها صفت درون کشوری و برخی نیز صفت بین کشوری و برخی نیز هر دو را شامل می‌شوند (ر.ک. به طالبان، ۱۳۸۹). در این پژوهش مؤلفه مصرف برق صنعتی مدنظر بوده که عبارت است از میزان مصرف انرژی در فعالیت‌های صنعتی که برحسب میلیون کیلو وات ساعت و در مقایسه با سایر مصارف و مشترکان (نظیر مصارف خانگی، عمومی، کشاورزی و ...) در نظر گرفته شده است. در واقع برای محاسبه آن در سطوح استان‌ها، از مصرف برق صنعتی هر استان نسبت به جمعیت آن استان برای عملیاتی کردن این مفهوم استفاده شد. داده‌های آن از سالنامه‌های آماری سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۹۸ استخراج گردید.

• شهرنشینی

براساس سالنامه آماری کشور (۱۳۹۴)، شهر محلی با حدود قانونی است که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده و از نظر بافت سازمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمایی با ویژگی‌های شهر باشد که جمعیت چنین بخش‌هایی را می‌توان شهرنشین (شهری) قلمداد نمود. بر این مبنای میزان شهرنشینی سطح کشوری و استانی به ترتیب عبارت است از نسبت جمعیت نقاط شهری به کل جمعیت کشور / استان. در این تحقیق نیز از نسبت جمعیت ساکن شهر به جمعیت هر استان برای عملیاتی کردن این مفهوم استفاده شد. داده‌های آن نیز از سالنامه‌های آماری سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۸ استخراج گردید.

نابرابری اجتماعی

از حیث تعریف نظری، نابرابری اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که انسان‌ها با قرار گرفتن در جایگاه‌های متفاوت در ساختار یک جامعه، دسترسی نابرابری به آن دسته از امتیازات و منابع باارزش پیدا می‌کنند که بر نحوه زندگی، حقوق، فرصت‌ها و پاداش‌های‌شان تأثیر می‌گذارد (گرب، ۱۳۹۶). همچنین جمالی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خویش یادآور شده‌اند که نابرابری مفهومی پیچیده می‌باشد که بایستی در کنار مقولاتی چون برابری، عدالت، حقوق و نیازها، تفاوت، جدایی‌گزینی، فقر، پایداری، محرومیت و طرد اجتماعی تعریف و مورد تفسیر و واکاوی قرار بگیرد. از حیث عملیاتی نیز در مورد مفهوم عدالت و برابری اجتماعی اندیشمندان متعددی شاخص‌های متفاوتی چون ضریب جینی، مقایسه گروه‌های درآمدی (دهک‌ها و بیستک‌ها)، کاهش فقر و شکاف طبقاتی، رفاه همگانی، ضریبی چون تایل، اتکینسون، پالما و ... را مدنظر داشته‌اند که البته در سطح استانی در ایران با توجه به اینکه فقط به داده‌های مربوط به ضریب جینی دسترسی پیدا شد، همین تک شاخص برای سنجش نابرابری استفاده شد که داده‌های آن نیز از سالنامه‌های آماری سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۸ و همچنین سازمان برنامه و بودجه کشور استخراج گردید.

• ضریب جینی

در بررسی‌های توزیع درآمد، ضریب جینی مشهورترین و متداول‌ترین شاخص نابرابری توزیع درآمد است؛ به همین جهت بیش از هر شاخص دیگری مورد استفاده و بحث قرار گرفته است. محتوای مفهومی ضریب جینی و برآورد آن در قالبی بسیار ساده و با استفاده از شکل منحنی لورنز محاسبه می‌شود. بازه مقاداری ضریب جینی بین صفر و یک است که بر این اساس اگر مقدار ضریب جینی برابر صفر باشد، بدین معناست که توزیع درآمد در جامعه کاملاً برابر و اگر مقدار آن یک باشد، توزیع درآمد در جامعه کاملاً نابرابر است. ضریب جینی در واقع بیانگر متوسطی از وضعیت کلی توزیع درآمد است و بیش از این اطلاعاتی در خصوص توزیع درآمد جامعه نمی‌دهد (موسوی جهرمی، ۱۳۸۸: ۲۵۴-۲۵۳).

در ادامه باید گفت که یکی از تکنیک‌های آماری که به واسطه آن می‌توان شاخص‌ها و متغیرهای اصلی یک تحقیق را آماده‌سازی نمود تا بر اساس آن بتوان اعتبار آنها را مورد سنجش و آزمون تجربی قرار داد، تحلیل عاملی است (برن^۱، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر نیز سعی شد از این تکنیک بهره برده شود. بدین ترتیب و بر اساس چنین تکنیکی می‌توان گفت که فقط سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی (به دلیل بهره بردن از معرف‌های پنج‌گانه) ساخته و آماده سنجش قرار خواهد گرفت. سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی (به عنوان متغیر مستقل) از پنج شاخص امید به زندگی، سواد، تولید ناخالص داخلی، شهری شدن و مصرف برق صنعتی ساخته شده است که از طریق تکنیک تحلیل عاملی تلاش گردید تا سازه اصلی تحقیق (توسعه اقتصادی-اجتماعی) تهیه و ساخته شود.

مضافاً بر این که برای ارزیابی اعتبار سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی نیز تکنیک آماری نامبرده (تحلیل عاملی) روشی قابل اعتماد به پژوهشگر عرضه نمود تا از این طریق بتواند فرضیه خویش را در خصوص ساختار داده‌ها بیازماید. در مجموع، ساختار داده‌های گردآوری شده برای سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی بر اساس پنج شاخص مزبور تعیین و آماده گردید و برای نابرابری اجتماعی نیز همان تک شاخص ضریب جینی مطمح نظر قرار گرفت.

قبل از ارائه نتایج اصلی تحلیل عاملی لازم است یافته‌های مربوط به آزمون فرضیات ضروری تحلیل عاملی ارائه شود:

از آنجایی که در این پژوهش سازه نابرابری اجتماعی فقط از یک شاخص ساخته شد، بنابراین در این بخش از توضیح این متغیر یا سازه صرف‌نظر کرده و فقط به تحلیل شاخص‌های مربوط به سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی پرداخته خواهد شد.

شاخص تکافوی نمونه برای شاخص‌های مربوط به سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی برابر با ۰/۶۹۰ و مقدار حاصل از آزمون کرویت بارتلت با درجه آزادی ۱۰ معادل ۱۴۵۹/۴۵۳ به دست آمد که کاملاً معنی‌دار بود (۰/۰۰۰). بر پایه این دو ملاک اصلی می‌توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی بر اساس ماتریس داده‌های موجود برای سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی، قابل توجیه بود. برآورد مقادیر ویژه متغیرها و مشخصات عامل‌های استخراج شده در جداول ذیل منعکس شده است:

جدول شماره ۲: آزمون‌های تکافوی نمونه و بارتلت (شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی)

آزمون‌های تکافوی نمونه و بارتلت	
شاخص تکافوی نمونه	۰/۶۹۰

	مقدار	۱۴۵۹/۴۵۳
کرویت بارتلت	درجه آزادی	۱۰
	ضریب معناداری	۰/۰۰۰

جدول شماره ۳: روش استخراج؛ تجزیه و تحلیل اجزای اصلی
(شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی)

	اولیه	استخراج
امید به زندگی	۱/۰۰۰	۰/۷۹۵
سواد	۱/۰۰۰	۰/۷۹۲
تولید ناخالص داخلی	۱/۰۰۰	۰/۸۵۲
شهری شدن	۱/۰۰۰	۰/۶۸۳
برق صنعتی	۱/۰۰۰	۰/۷۸۶

جدول شماره ۴: مشخصات عامل‌های استخراج شده از تحلیل متغیر توسعه اقتصادی-اجتماعی

کل واریانس توضیح داده شده						
عامل	مقادیر ویژه اولیه			استخراج مجموع مجزورات بارهای عاملی		
	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۲/۸۰۱	۵۶/۰۲۵	۵۶/۰۲۵	۲/۸۰۱	۴۶/۱۳۵	۵۶/۰۲۵
۲	۱/۱۰۷	۲۲/۱۳۲	۷۸/۱۵۶	۱/۱۰۷	۲۲/۱۳۲	۷۸/۱۵۶
۳	۰/۵۳۲	۱۰/۶۴۳	۸۸/۸۰۰			
۴	۰/۳۱۰	۶/۲۰۴	۹۵/۰۰۳			
۵	۰/۲۵۰	۴/۹۹۷	۱۰۰/۰۰۰			

جدول شماره ۵: ماتریس داده‌ها (متغیر توسعه اقتصادی-اجتماعی)

	ماتریس داده‌ها	
	عامل	
	۱	۲
امید به زندگی	۰/۵۷۱	۰/۶۸۵
سواد	۰/۸۳۵	۰/۳۰۷
تولید ناخالص داخلی	۰/۶۲۸	-۰/۶۷۷
شهری شدن	۰/۸۲۶	۰/۰۲۶

همان‌گونه که مشاهده می‌شود نتایج تحلیل شاخص‌های اصلی مربوط به سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی در جدول شماره (۴) حاکی از بزرگی مقدار ویژه دو عامل است که نشان می‌دهد میزان تبیین واریانس مشترک بین متغیرها برای این دو عامل برابر با ۷۸/۱۵۶ درصد است که قابل ملاحظه می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

الف. یافته‌های توصیفی

در این بخش ابتدا به توصیف داده‌های مربوط به سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی و معرف‌های تجربی آن پرداخته شد. نتایج به دست آمده در جدول زیر منعکس شده است.

جدول شماره ۶: یافته‌های توصیفی مربوط به توسعه اقتصادی - اجتماعی

معرف‌های تجربی	سازه					
	توسعه اقتصادی-اجتماعی	مصرف برق صنعتی	نسبت شهرنشینی	نسبت تولید ناخالص داخلی	نسبت باسوادان	امید به زندگی
N	۸۸۱	۷۱۳	۸۸۱	۸۸۱	۸۸۱	معتبر
گم شده	۰	۱۶۸	۰	۰	۰	گم شده
میانگین	۵۱۰۹/۳۸	۶۱/۶۸۳۸	۶۱/۶۸۳۸	۳/۵۳۷۲	۸۰/۷۷۵۹	۶۹/۴۰۳۵
انحراف معیار	۶۷۲۲/۲۶۳	۱۳/۵۹۳۳۴	۱۳/۵۹۳۳۴	۵/۰۷۸۳۳	۷/۲۲۲۳۳	۳/۷۴۵۳۹
واریانس	۴۵۱۸۸۸۲۶/۱۰	۱۸۴/۷۷۹	۱۸۴/۷۷۹	۲۵/۷۸۹	۵۲/۱۶۲	۱۴/۰۲۸

اطلاعات مندرج در جدول شماره (۶) بیانگر این نکته است که جمعیت موردهای تحت بررسی برابر تمام استان‌های ایران طی بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ بوده است که اگر ماتریس استان / سال را در نظر گرفته باشیم، باید گفت که بایستی N تحقیق شامل ۹۶۱ مورد باشد، اما از آنجائی که برخی استان‌ها مثل البرز از سال ۱۳۹۰ و همچنین برخی استان‌های دیگر نظیر قم، قزوین، گلستان، اردبیل، خراسان جنوبی و خراسان شمالی از سال‌های متفاوتی تبدیل به استان گشته‌اند، به همین خاطر حجم موردهای تحت بررسی به ۸۸۱ مورد کاهش یافت. چنانچه در مورد شاخص یا معرف برق صنعتی نیز می‌توان گفت که با توجه به اینکه دسترسی به داده‌های مربوط به آن در سطح استانی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴ وجود نداشت، این شاخص با جمعیت موردی کمتری روبرو بود.

آن طور که اطلاعات مندرج در جدول بالا بیانگر این نکته است که میانگین امید به زندگی ایرانیان در تمام استان‌ها (۶۹ سال)، نسبت باسوادان (۸۰ درصد)، تولید ناخالص داخلی (۳ میلیارد ریال)، نسبت شهرنشینی (۶۱ درصد) و در نهایت مصرف برق صنعتی نیز پنج هزار ولت بوده است.

در جدول زیر، توصیف داده‌های مربوط به متغیر نابرابری اجتماعی آمده است.

جدول شماره ۷: یافته‌های توصیفی مربوط به نابرابری اجتماعی (N=۸۸۱)

نابرابری اجتماعی	
ضریب جینی	
میانگین	۰/۳۵۰۵۹۸۳
انحراف معیار	۰/۰۳۶۷۱۰۸۰
واریانس	۰/۰۰۱

اطلاعات مندرج در جدول بالا بیانگر این نکته است که (جمعیت مورد مطالعه ۸۸۱ مورد؛ معادل دامنه زمانی و مکانی مورد نظر در پژوهش حاضر)) با توجه به تک شاخصی بودن متغیر نابرابری اجتماعی در سطح استانی، میانگین شاخص مزبور برابر با ۰/۳۵ بود که بر این اساس می‌توان گفت که میانگین ضریب جینی در تمام استان‌های ایران (در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸) برابر با ۰/۳۵ می‌باشد.

حال بعد از مرور آماره‌های توصیفی در سطح استانی و با توجه به اینکه تعداد داده‌ها در این سطح بسیار بالا می‌باشد، جهت توصیف داده‌ها به خلاصه‌ای از آنها پرداخته شده است. بدین صورت که در مورد هر کدام از معرف‌ها و سازه اصلی، ده استان بالا و ده استان پایین از حیث برخورداری از بالاترین و پایین‌ترین مقدار (به ترتیب) مورد نظر بودند. بنابراین، جداول ذیل برای این هدف تعبیه شده‌اند. البته این نکته نیز لازم است بیان شود که برای بررسی کمترین و بیشترین مقدارهای ممکن، سعی شد که از استان‌های تکراری صرف‌نظر شده و هر کدام از استان‌ها فقط یک بار آورده شوند.

جدول شماره ۸: ده استان نخست از حیث برخورداری از بالاترین مقدار در سازه توسعه

اقتصادی- اجتماعی و شاخص‌های آن

سازه / شاخص‌ها	ترتیب	استان	سال	میانگین استانی
توسعه اقتصادی- اجتماعی	۱	تهران	۱۳۹۸	۹/۵۴

۷/۹۹	۱۳۹۸	اصفهان	۲
۶/۹۰	۱۳۹۸	خراسان رضوی	۳
۶/۸۰	۱۳۹۸	یزد	۴
۶/۷۲	۱۳۹۵	البرز	۵
۶/۵۱	۱۳۹۸	فارس	۶
۶/۴۸	۱۳۹۸	قم	۷
۶/۴۰	۱۳۹۸	آذربایجان شرقی	۸
۶/۳۸	۱۳۹۸	سمنان	۹
۶/۳۵	۱۳۹۷	خوزستان	۱۰

ادامه جدول شماره ۸

میانگین استانی	سال	استان	ترتیب	سازه / شاخص‌ها
شاخص‌ها				
۷۸/۰۰	۱۳۹۸	تهران	۱	امید به زندگی
۷۶/۶۳	۱۳۹۸	سمنان	۲	
۷۶/۶۲	۱۳۹۸	اصفهان	۳	
۷۶/۵۴	۱۳۹۸	یزد	۴	
۷۶/۴۸	۱۳۹۸	مازندران	۵	
۷۶/۲۰	۱۳۹۵	البرز	۶	
۷۶/۱۸	۱۳۹۸	مرکزی	۷	
۷۵/۶۸	۱۳۹۸	خراسان رضوی	۸	
۷۵/۵۲	۱۳۹۸	فارس	۹	
۷۵/۴۰	۱۳۹۸	زنجان	۱۰	
نسبت باسوادان				
۹۴/۳۰	۱۳۹۸	تهران	۱	نسبت باسوادان
۹۳/۶۰	۱۳۹۸	البرز	۲	
۹۲/۹۰	۱۳۹۸	سمنان	۳	
۹۲/۳۰	۱۳۹۸	یزد	۴	
۹۱/۳۰	۱۳۹۸	اصفهان	۵	
۹۰/۶۰	۱۳۹۸	بوشهر	۶	
۹۰/۵۰	۱۳۹۸	خراسان رضوی	۷	
۹۰/۲۰	۱۳۹۸	فارس	۸	

۹۰/۱۰	۱۳۹۸	قم	۹	تولید ناخالص داخلی
۹۰/۱۰	۱۳۹۸	مازندران	۱۰	
۳۲/۵۰	۱۳۷۲	تهران	۱	
۲۳/۵۰	۱۳۷۲	خوزستان	۲	
۸/۹۰	۱۳۷۲	اصفهان	۳	
۸/۵۰	۱۳۷۲	کهگیلویه و بویراحمد	۴	
۸/۵۰	۱۳۷۲	خراسان رضوی	۵	
۷/۵۰	۱۳۷۲	آذربایجان شرقی	۶	
۷/۵۰	۱۳۷۲	فارس	۷	
۶/۶۵	۱۳۹۳	بوشهر	۸	
۶/۵۰	۱۳۷۲	کرمانشاه	۹	
۶/۵۰	۱۳۷۲	مازندران	۱۰	

ادامه جدول شماره ۸

میانگین استانی	سال	استان	ترتیب	سازه / شاخص‌ها
۹۵/۳۸	۱۳۹۴	قم	۱	نسبت شهرنشینی
۹۴/۱۹	۱۳۹۸	تهران	۲	
۹۲/۹۴	۱۳۹۸	البرز	۳	
۸۸/۶۶	۱۳۹۸	اصفهان	۴	
۸۵/۹۰	۱۳۹۸	یزد	۵	
۸۰/۸۰	۱۳۹۸	سمنان	۶	
۷۸/۱۸	۱۳۹۸	مرکزی	۷	
۷۶/۷۶	۱۳۹۸	خوزستان	۸	
۷۶/۷۰	۱۳۹۸	قزوین	۹	
۷۶/۶۲	۱۳۹۸	کرمانشاه	۱۰	
۴۵۷۹۷	۱۳۹۸	تهران	۱	صنعتی شدن (مصرف برق صنعتی)
۳۳۶۹۶	۱۳۹۸	اصفهان	۲	
۲۰۵۸۳	۱۳۹۸	خراسان رضوی	۳	
۱۶۵۱۰	۱۳۹۸	آذربایجان شرقی	۴	

۱۴۳۲۳	۱۳۹۸	فارس	۵
۱۴۱۱۹	۱۳۹۸	مازندران	۶
۱۱۶۷۰	۱۳۹۸	یزد	۷
۸۱۶۲	۱۳۹۱	البرز	۸
۷۶۹۳	۱۳۹۸	مرکزی	۹
۶۵۶۳	۱۳۹۸	قم	۱۰

با تکیه بر داده‌های جدول بالا می‌توان گفت که از حیث شاخص‌های پنج گانه توسعه اقتصادی-اجتماعی و خود سازه، به جز شاخص شهرنشینی که در آن استان قم در رتبه اول و استان تهران در رتبه دوم می‌باشد، در بقیه آن‌ها تهران رتبه اول را داشته که این موضوع بیانگر آن است که تهران از حیث توسعه یافتگی اقتصادی-اجتماعی نسبت به سایر استان‌های کشور از وضعیت بهتری برخوردار است. حال جدول زیر، برعکس جدول بالا سعی نموده است تا وضعیت استان‌هایی که از توسعه یافتگی اقتصادی-اجتماعی کمتری برخوردار بودند را ترسیم نماید.

جدول شماره ۹: ده استان نخست از حیث برخورداری از پایین‌ترین مقدار در سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی و شاخص‌های آن

سازه / شاخص‌ها	ترتیب	استان	سال	میانگین استانی
	۱	کردستان	۱۳۶۸	۲/۳۲
	۲	سیستان و بلوچستان	۱۳۶۸	۲/۳۶
	۳	کهگیلویه و بویراحمد	۱۳۶۸	۲/۷۸
	۴	آذربایجان غربی	۱۳۶۸	۳/۰۲
	۵	چهارمحال و بختیاری	۱۳۶۸	۳/۱۸
	۶	هرمزگان	۱۳۶۸	۳/۳۰
	۷	ایلام	۱۳۶۸	۳/۴۷
	۸	خراسان رضوی	۱۳۶۸	۳/۵۱
	۹	همدان	۱۳۶۸	۳/۵۲
	۱۰	زنجان	۱۳۶۸	۳/۵۵
توسعه اقتصادی - اجتماعی				
شاخص‌ها				
	۱	کردستان	۱۳۶۸	۵۶/۶۹

۵۶/۸۳	۱۳۶۸	سمنان	۲	امید به زندگی
۵۸/۵۰	۱۳۶۸	تهران	۳	
۵۹/۹۳	۱۳۶۸	کهگیلویه و بویراحمد	۴	
۶۰/۳۸	۱۳۶۸	خراسان رضوی	۵	
۶۰/۴۲	۱۳۶۸	اصفهان	۶	
۶۰/۶۴	۱۳۶۸	یزد	۷	
۶۲/۰۳	۱۳۶۹	بوشهر	۸	
۶۲/۳۲	۱۳۶۸	فارس	۹	
۶۲/۳۸	۱۳۶۸	مرکزی	۱۰	

ادامه جدول شماره ۹

سازه / شاخص‌ها	ترتیب	استان	سال	میانگین استانی
نسبت باسوادان	۱	سیستان و بلوچستان	۱۳۶۸	۴۴/۰۰
	۲	کردستان	۱۳۶۸	۵۳/۲۰
	۳	آذربایجان غربی	۱۳۶۸	۵۵/۰۰
	۴	هرمزگان	۱۳۶۸	۶۱/۶۰
	۵	لرستان	۱۳۶۸	۶۲/۷۰
	۶	کهگیلویه و بویراحمد	۱۳۶۸	۶۳/۴۰
	۷	خوزستان	۱۳۶۸	۶۴/۲۰
	۸	ایلام	۱۳۶۸	۶۴/۶۰
	۹	زنجان	۱۳۶۸	۶۴/۸۰
	۱۰	چهارمحال و بختیاری	۱۳۶۸	۶۵/۰۰
تولید ناخالص داخلی	۱	خراسان جنوبی	۱۳۹۰	۰/۴۰
	۲	خراسان شمالی	۱۳۹۰	۰/۴۶
	۳	چهارمحال و بختیاری	۱۳۶۸	۰/۵۰
	۴	ایلام	۱۳۸۱	۰/۵۰
	۵	کردستان	۱۳۷۷	۰/۷۰
	۶	اردبیل	۱۳۷۷	۰/۷۰

۰/۷۱	۱۳۷۷	زنجان	۷
۰/۷۱	۱۳۷۳	سمنان	۸
۰/۷۲	۱۳۷۷	قم	۹
۰/۹۰	۱۳۸۶	سیستان و بلوچستان	۱۰
۲۷/۰۲	۱۳۶۸	کهگیلویه و بویراحمد	۱
۳۶/۰۵	۱۳۶۸	چهارمحال و بختیاری	۲
۳۷/۴۰	۱۳۶۸	همدان	۳
۳۷/۶۸	۱۳۶۸	گیلان	۴
۳۹/۵۲	۱۳۶۹	مازندران	۵
۳۹/۷۰	۱۳۶۸	کردستان	۶
۴۰/۴۳	۱۳۶۸	هرمزگان	۷
۴۰/۷۴	۱۳۶۸	سیستان	۸
۴۳/۰۰	۱۳۶۸	ایلام	۹
۴۳/۰۵	۱۳۶۸	کرمان	۱۰

نسبت شهرنشینی

ادامه جدول شماره ۹

میانگین استانی	سال	استان	ترتیب	سازه / شاخص‌ها
۱۲۱	۱۳۷۵	کهگیلویه و بویراحمد	۱	صنعتی شدن (مصرف برق صنعتی)
۳۶۱	۱۳۷۵	سیستان و بلوچستان	۲	
۳۹۸	۱۳۷۵	بوشهر	۳	
۴۸۷	۱۳۷۶	اردبیل	۴	
۴۸۹	۱۳۷۵	ایلام	۵	
۵۲۹	۱۳۷۵	هرمزگان	۶	
۶۱۷	۱۳۷۵	کرمان	۷	
۶۲۷	۱۳۷۵	چهارمحال و بختیاری	۸	
۷۳۴	۱۳۸۵	خراسان شمالی	۹	
۸۲۰	۱۳۷۵	کرمانشاه	۱۰	

بر اساس اطلاعات جدول بالا، می‌توان گفت که از حیث برخورداری از توسعه اقتصادی-اجتماعی و شاخص‌های آن (امید به زندگی، سواد، تولید ناخالص داخلی، شهری شدن و برق صنعتی)

به ترتیب کمترین میزان برخورداری از این حیث مربوط به استان‌های کردستان، کردستان، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد و کهگیلویه و بویراحمد بوده است. به عبارت دیگر، داده‌های مربوط به سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی دال بر این بود که استان کردستان (۱۳۶۸) کم توسعه‌ترین استان ایران از این حیث می‌باشد. همچنین این نکته نیز لازم است بیان شود که از حیث برخورداری از شاخص مصرف برق صنعتی، از آنجایی که آمار و اطلاعات مربوط به سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴ موجود نبود، از اطلاعات سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۸ برای این معرّف استفاده شد.

حال بعد از مروری بر متغیر توسعه اقتصادی-اجتماعی و شاخص‌های آن، نوبت به متغیر نابرابری اجتماعی می‌رسد که البته از آنجایی که در سطح استانی، فقط اطلاعات مربوط به شاخص ضریب جینی موجود بود، همین شاخص به عنوان تنها معرّف نابرابری اجتماعی مدنظر قرار گرفت که توصیف داده‌های آن برای ده استان برخوردار از بیشترین و کمترین میزان آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۱۰: ده استان نخست از حیث برخورداری از بالاترین و پایین‌ترین مقدار در سازه نابرابری اجتماعی (ضریب جینی)

سازه / شاخص‌ها	ترتیب	استان	سال	میانگین استانی
بیشترین				
	۱	کهگیلویه و بویراحمد	۱۳۸۵	۰/۴۳۱۹۱
	۲	گلستان	۱۳۷۹	۰/۴۲۷۸۹
	۳	سیستان و بلوچستان	۱۳۸۹	۰/۴۲۱۳۱
	۴	هرمزگان	۱۳۸۵	۰/۴۲۰۳۷
	۵	کرمان	۱۳۷۰	۰/۴۱۴۰۱
	۶	خراسان رضوی	۱۳۷۰	۰/۴۱۰۰۲
	۷	مرکزی	۱۳۸۹	۰/۴۰۸۲۳
	۸	مازندران	۱۳۷۰	۰/۴۰۷۴۵
	۹	اصفهان	۱۳۷۰	۰/۴۰۱۰۳
	۱۰	تهران	۱۳۸۵	۰/۴۰۰۸۳
کمترین				
	۱	ایلام	۱۳۹۱	۰/۲۱۶۱۵

نابرابری اجتماعی
(ضریب جینی)

۲۰۱ «ارتباط میان توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در استان‌های ایران»

ردیف	نام استان	سال	ضریب جینی
۲	کهگیلویه و بویراحمد	۱۳۹۶	۰/۲۳۰۱۶
۳	خراسان جنوبی	۱۳۹۲	۰/۲۳۶۴۲
۴	لرستان	۱۳۹۴	۰/۲۴۴۲۸
۵	البرز	۱۳۹۴	۰/۲۴۷۳۷
۶	آذربایجان غربی	۱۳۹۴	۰/۲۵۴۸۳
۷	زنجان	۱۳۹۲	۰/۲۶۲۰۱
۸	کردستان	۱۳۹۶	۰/۲۶۲۷۱
۹	چهارمحال و بختیاری	۱۳۹۲	۰/۲۶۵۸۳
۱۰	اردبیل	۱۳۹۴	۰/۲۶۹۵۱

نابرابری اجتماعی
(ضریب جینی)

اطلاعات مندرج در جدول بالا حاکی از این است که از حیث برخورداری از بیشترین و کمترین میزان نابرابری اجتماعی (با تکیه بر شاخص ضریب جینی)، استان‌های کهگیلویه و بویر احمد (۱۳۸۵) و ایلام (۱۳۹۱) به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان نابرابری اجتماعی بودند.

بعد از مروری نسبتاً خلاصه شده از توصیف داده‌ها، به ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون مربوط به سازه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی پرداخته شد. جدول زیر برای چنین منظوری تعبیه شده است.

جدول شماره ۱۱: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون مربوط به سازه و شاخص‌های توسعه با نابرابری

سازه و شاخص‌ها	امید به زندگی	سواد	تولید ناخالص داخلی	شهری شدن	برق صنعتی	نابرابری (ضریب جینی)	توسعه
امید به زندگی	ضریب پیرسون	1	.620**	-.099**	.389**	-.505**	.612**
	معناداری		.000	.003	.000	.000	.000
	N	881	881	881	881	713	881
سواد	ضریب پیرسون	.620**	1	.190**	.692**	-.379**	.834**
	معناداری	.000		.000	.000	.000	.000
	N	881	881	881	881	713	881
تولید ناخالص داخلی	ضریب پیرسون	-.099**	.190**	1	.365**	.642**	.508**
	معناداری	.003	.000		.000	.000	.000
	N	881	881	881	881	713	881

شهری شدن	ضریب پیرسون	.389**	.692**	.365**	1	.579**	-.319**	.858**
	معناداری	.000	.000	.000		.000	.000	.000
	N	881	881	881	881	713	881	881
برق صنعتی	ضریب پیرسون	.332**	.524**	.642**	.579**	1	-.005	.848**
	معناداری	.000	.000	.000	.000		.899	.000
	N	713	713	713	713	713	713	713
توسعه	ضریب پیرسون	.612**	.834**	.508**	.858**	.848**	-.324**	1
	معناداری	.000	.000	.000	.000	.000	.000	
	N	881	881	881	881	713	881	881

اطلاعات مندرج در جداول بالا نشان می‌دهد که:

در سطح استانی و شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی، بیشترین میزان همبستگی میان معرف‌های سواد و شهری شدن (۰/۶۹۲) و از حیث همبستگی میان ضریب جینی (تک شاخص سنجش نابرابری اجتماعی) و هرکدام از شاخص‌های توسعه یافتگی، بیشترین میزان همبستگی مربوط به معرف امید به زندگی (۰/۵۰۵-) و کمترین میزان نیز مربوط به معرف صنعتی شدن / مصرف برق صنعتی (۰/۰۰۵-) بود.

ب. یافته‌های تحلیلی

در این بخش به اصلی‌ترین هدف پژوهش که همان آزمون مدعاهای نظری و فرضیه‌ها با استناد به نتایج و یافته‌های نهایی پژوهش است، پرداخته شده است. چنانچه برای نیل به این هدف سعی شد تا نخست برای آزمون فرضیه‌های مبتنی بر ارتباط خطی (منفی و مثبت)، با تکیه بر رگرسیون ساده از ارتباط میان توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی به این مقصود دست یابد و سپس برای آزمون فرضیه سهمی و ارون U، در مدل دیگر رگرسیون و با اضافه شدن مجذور توسعه اقتصادی-اجتماعی به مدل قبلی تلاش شد که آزمون این فرضیه نیز مورد بررسی واقع گردد. البته لازم به ذکر است که قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، تلاش شد تا تحلیلی رگرسیونی از ارتباط میان شاخص / معرف‌های توسعه یافتگی با سازه نابرابری اجتماعی شکل گیرد. بنابراین این اهداف در جداول زیر محقق شده است.

جدول شماره ۱۲: رگرسیون نابرابری اجتماعی بر شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی

خطای استاندارد برآورد شده ضریب تعیین تعدیل شده ضریب تعیین همبستگی چندگانه مدل

۱	۰/۵۸۲	۰/۳۳۸	۰/۳۳۴	۲/۸۷۱۳۷
---	-------	-------	-------	---------

جدول شماره ۱۳: تحلیل واریانس برای آزمون معناداری ضریب تعیین

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	F معنی داری
رگرسیون	۲۹۸۷/۹۱۲	۵	۵۹۵/۷۸۲	۷۲/۲۶۲	۰/۰۰۰
باقی مانده	۵۸۲۹/۰۵۴	۷۰۷	۸/۲۴۵		
کل	۸۸۰۷/۹۶۶	۷۱۲			

داده‌های مندرج در جداول بالا دال بر این است که متغیرهای پنج‌گانه توسعه اقتصادی-اجتماعی توانسته‌اند میزان ۰/۳۳۸ از تغییرات مربوط به متغیر وابسته (نابرابری اجتماعی / ضریب جینی) را تبیین کنند که با تکیه بر جدول (۱۳)، می‌توان گفت که این مقدار تبیین شده کاملاً معنی‌دار می‌باشد. این در واقع بدین معناست که حدود ۰/۶۶۲ از تغییرات مربوط به متغیر وابسته توسط متغیرهای دیگری قابل تفسیر و تبیین می‌باشد که در این مدل نیامده‌اند. همچنین برای دستیابی به تأثیر هر کدام از معرف‌های پنج‌گانه توسعه اقتصادی-اجتماعی بر نابرابری اجتماعی می‌توان به جدول زیر رجوع کرد.

جدول شماره ۱۴: تأثیر هر یک از معرف‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی بر نابرابری اجتماعی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	t	مقدار	
(مقدار ثابت)	۲۳/۷۱۸	۰/۹۳۰	۲۵/۵۱۵		۰/۰۰۰
امید به زندگی	-۰/۶۳۹	۰/۰۵۰	-۰/۴۹۴	-۱۲/۸۱۹	۰/۰۰۰
سواد	-۰/۱۲۲	۰/۰۸۰	-۰/۰۷۲	-۱/۵۱۴	۰/۱۳۰
تولید ناخالص داخلی	۰/۰۳۳	۰/۰۴۹	۰/۰۲۸	۰/۶۶۶	۰/۵۰۶
شهری شدن	-۰/۲۲۲	۰/۰۴۱	-۰/۲۳۸	-۵/۳۵۳	۰/۰۰۰
برق صنعتی	۰/۳۷۸	۰/۰۵۷	۰/۳۱۷	۶/۶۷۳	۰/۰۰۰

با تکیه بر داده‌های مندرج در جدول شماره (۱۴) می‌توان گفت که در بین متغیرهای پنج‌گانه پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته (نابرابری اجتماعی/ ضریب جینی) به ترتیب بیشترین سهم از آن متغیرهای امید به زندگی، برق صنعتی، شهری شدن، سواد و تولید ناخالص داخلی بود که ضریب استاندارد هر کدام از آن‌ها به ترتیب برابر با $-۰/۴۹۴$ ، $۰/۳۱۷$ ، $-۰/۲۳۸$ ، $-۰/۰۷۲$ و $۰/۰۲۸$ می‌باشد. البته لازم به ذکر است از آنجایی که در متغیرهای سواد و تولید ناخالص داخلی مقدار معناداری بیش از $۰/۰۵$ بود، بنابراین می‌توان گفت که چنین متغیرهایی به ظاهر نتوانسته‌اند تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی نمایند. به عبارتی، می‌توان بیان نمود که بیشترین تغییرات مربوط به نابرابری اجتماعی (به عنوان متغیر وابسته) تحت تأثیر سه متغیر امید به زندگی، مصرف برق صنعتی و شهری شدن بود.

ارتباط میان توسعه و نابرابری در سطح استانی (۱۳۶۸-۱۳۹۸)

در این بخش نیز لازم بود که به آزمون فرضیه‌ها پرداخت تا بر این اساس مشخص گردد که در چنین سطحی و طی بازه زمانی مورد نظر کدام فرضیه تأیید و کدام رد می‌گردد. جداول زیر برای چنین منظوری تعبیه شده‌اند.

جدول شماره ۱۵: رگرسیون نابرابری اجتماعی بر سازه توسعه اقتصادی- اجتماعی

مدل	ضرایب تعیین شده	ضریب تعیین شده	ضریب تعیین شده	خطای استاندارد برآورد شده
۱	$۰/۳۲۴$	$۰/۱۰۵$	$۰/۱۰۴$	$۳/۲۲۰۸۴$

جدول شماره ۱۶: تحلیل واریانس برای آزمون معناداری ضریب تعیین

مدل	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	معنی داری
رگرسیون	$۱۰۳/۳۱۷$	$۱۰۷۱/۷۸۳$	۱	$۱۰۷۱/۷۸۳$	$۰/۰۰۰$
باقی مانده		$۱۰/۳۷۴$	۸۷۹	$۹۱۱۸/۵۵۲$	
کل			۸۸۰	$۱۰۱۹۰/۳۳۵$	

جدول شماره ۱۷: تأثیر سازه توسعه اقتصادی- اجتماعی بر نابرابری اجتماعی

ضرایب رگرسیون

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	مقدار			
(مقدار ثابت)	۱۵/۴۲۵	۰/۳۱۱			۴۹/۶۰۶	۰/۰۰۰
توسعه اقتصادی - اجتماعی	-۰/۳۹۸	۰/۰۳۹	-۰/۳۲۴		-۱۰/۱۶۴	۰/۰۰۰

جدول بالا برای آزمون فرضیه رابطه خطی شکل میان دو مؤلفه توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی تعبیه شدند. چنانچه با تکیه بر مندرجات جدول بالا می‌توان گفت که ضریب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد توسعه اقتصادی-اجتماعی (به ترتیب برابر با $-۰/۳۲۴$ و $-۰/۳۹۸$) منفی و کاملاً معنادار ($\text{sig}=۰/۰۰۰$) بود که بر این اساس، فرضیه مبنی بر ارتباط خطی مثبت، رد و فرضیه مبنی بر ارتباط خطی منفی، تأیید گردید.

حال پس از تست فرضیه‌های مبتنی بر ارتباط خطی (مثبت و منفی)، در این بخش به آزمون فرضیه مبتنی بر ارتباط سهمی وارون U میان دو مؤلفه توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی پرداخته شد که جدول ذیل برای چنین منظوری تعبیه شده‌اند.

جدول شماره ۱۸: رگرسیون نابرابری اجتماعی بر سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی و مجذور آن

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد شده
۱	۰/۳۹۷	۰/۱۵۸	۰/۱۵۶	۳/۱۲۶۹۷

جدول شماره ۱۹: تحلیل واریانس برای آزمون معناداری ضریب تعیین

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Fمعنی داری
رگرسیون	۱۶۰۵/۲۹۴	۲	۸۰۲/۶۴۷	۸۲/۰۸۷	۰/۰۰۰
باقی مانده	۸۵۸۵/۰۴۱	۸۷۸	۹/۷۷۸		
کل	۱۰۱۹۰/۳۳۵	۸۸۰			

جدول شماره ۲۰: تأثیر سازه توسعه اقتصادی _ اجتماعی و مجذور آن بر نابرابری اجتماعی

ضرایب رگرسیون

مدل	ضرایب استاندارد		t	سطح معناداری
	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده		
	B	خطای استاندارد	مقدار	
(مقدار ثابت)	۱۹/۰۲۹	۰/۵۷۴	۳۳/۱۶۳	۰/۰۰۰
۱ توسعه اقتصادی - اجتماعی	-۱/۳۳۹	۰/۱۳۳	-۱/۰۸۹	-۱۰/۰۷۷
مجذور توسعه اقتصادی - اجتماعی	۱/۰۷۶	۰/۱۴۶	۰/۷۹۹	۷/۳۸۷

با تکیه بر مندرجات جداول بالا می‌توان گفت که ضریب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد توسعه اقتصادی-اجتماعی (به ترتیب برابر با $-۱/۰۸۹$ و $-۱/۳۳۹$) منفی و کاملاً معنادار ($sig=۰/۰۰۰$) و برعکس، ضریب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد مجذور توسعه اقتصادی-اجتماعی (به ترتیب برابر با $۰/۷۹۹$ و $۱/۰۷۶$) مثبت و کاملاً معنادار ($sig=۰/۰۰۰$) بوده که بر این اساس، فرضیه مبنی بر ارتباط سهمی و ارون U رد شد؛ زیرا جهت ارتباط توسعه اقتصادی-اجتماعی با نابرابری اجتماعی منفی و جهت ارتباط مجذور توسعه اقتصادی-اجتماعی با نابرابری اجتماعی مثبت شد. بنابراین در سطح استانی، فرضیه خطی منفی مبنی بر ارتباط معکوس میان توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی تأیید و فرضیه‌های ارتباط به اشکال خطی مثبت و همچنین سهمی و ارون U رد شدند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال بررسی و مذاقه ارتباط میان دو مقوله مهم توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در سطح استان‌های ایران بود. با مروری بر ادبیات نظری در علوم اجتماعی و اقتصادی، مشخص شد که دیدگاه‌های متعارضی در خصوص ارتباط توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی توسط اندیشمندان این حوزه مطالعاتی مطرح شده است. در مقام آزمون سیستماتیک این استدلال‌های نظری متعارض در جامعه ایران، مطالعاتی از قبل شکل گرفته بود، اما آنچه ضروری به نظر رسید، بررسی چنین رابطه‌ای میان مقوله‌های مزبور در سطح استان‌های ایران بود که تحقیقی بدیع و تازه از این حیث قلمداد می‌شد؛ زیرا تا به حال هیچ‌گونه تحقیقی در راستای آزمون چنین ارتباطی در سطح استان‌های ایران صورت نگرفته بود که این پژوهش، خلأ نامبرده را پر و برطرف نمود.

در این تحقیق که روش آن تطبیقی کمی درون کشوری بود و قلمروی کلیه استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ را شامل شد، معرف‌های امید به زندگی، آموزش (سواد)، تولید ناخالص

داخلی، شهری شدن و صنعتی شدن (مصرف برق صنعتی) بعنوان مهمترین شاخص‌های توسعه یافتگی اقتصادی-اجتماعی و همچنین معرف ضریب جینی نیز به عنوان مهمترین شاخص نابرابری اجتماعی در نظر گرفته شدند. همچنین برای سنجش اعتبار متغیرهای تحقیق، آزمون تک بعدی بودن سنجه‌ها با تکیه بر آماره شاخص تکافوی نمونه بررسی گردید که بر اساس آن مشخص شد که اجرای تحلیل عاملی برای سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی که ساخته شده از پنج معرف مزبور بود، قابل توجیه است.

در نهایت، یافته‌های پژوهش دال بر این بود که میان دو مقوله توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی نوعی ارتباط به شکل خطی منفی وجود داشت که بر این اساس می‌توان گفت که نتایج این پژوهش مطابق با دیدگاه نظری چلبی بود و فرضیه‌های مبنی بر وجود ارتباط خطی به شکل مثبت و وارون U کوزنتس میان مؤلفه‌های مذکور رد گردیدند. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان دهنده این موضوع بود که نتایج تحقیق حاضر از حیث شکل رابطه با تحقیقات باقری (۱۳۹۴)، صامتی و سجادی (۱۳۹۱)، قنبری و همکاران (۱۳۹۰)، دهمرده و شکری (۱۳۸۹)، عساری آرانی و همکاران (۱۳۸۸)، صادقی و همکاران (۱۳۸۸)، مهرگان و همکاران (۱۳۸۷)، راج و همکاران (۲۰۲۳)، واران (۲۰۲۳)، آسا و پاسانن (۲۰۲۱)، سو و همکاران (۲۰۲۰)، چانگ و رام (۲۰۰۰) و آلسینا و پروتی (۱۹۹۶) نوعی همسویی داشت؛ زیرا در همه این تحقیقات نیز به مانند پژوهش حاضر، آنچه در نهایت به عنوان نتیجه اصلی دیده شده، شکل رابطه به صورت خطی منفی بوده است. از حیث مقایسه با تحقیقات پیشین که در سطح استان‌های ایران به نگارش درآمده بود، می‌توان به تحقیقات امیراحمدی (۱۳۷۵؛ ۱۳۷۵) اشاره نمود که در آنها نتایج دال بر تأیید فرضیه کوزنتس، مبنی بر ارتباط به شکل وارون U در استان‌های کشور در مقطع ۱۳۳۵-۱۳۳۵ بود که شاید بتوان چنین تفاوتی را به بازه زمانی این تحقیقات با تحقیق پیش رو مربوط دانست، هرچند که در نگاه کلی که توسعه یافتگی بالا منجر به نرخ پایین نابرابری شده، نتایج تقریباً یکسانی به دست آمده است. بهر حال، بازه زمانی متفاوت (پساانقلابی در مقابل پیشانقلابی)، طولانی‌تر و تعداد استان‌های بیشتر (۳۱ استان بررسی شده در پژوهش حاضر در برابر ۲۳ استان مرور شده در تحقیقات نامبرده) نیز در شکل‌گیری چنین نتایجی که تا حدی از حیث تئوریک متفاوت از این مطالعات بوده، نقش داشته است.

همچنین اگر نگاهی به محدودیت‌های تحقیق و پیشنهادها برای تحقیقات آتی صورت بگیرد، باید گفت که مهمترین محدودیت تحقیق به گردآوری داده‌های مربوط به شاخص‌های نابرابری اجتماعی مربوط شد؛ چرا که هرچند تنها شاخص ثبت شده برای سنجش این مؤلفه در سطح استانی ضریب جینی می‌باشد، اما ضرایبی نظیر دهک، بیستک، پالما، تایل، اتکینسون و ... هستند که داده‌های سطح کشوری آنها موجود است و با دقت بیشتری می‌توان مؤلفه نابرابری اجتماعی را با

شاخص‌های مزبور در چنین سطحی اندازه‌گیری نمود، لکن در سطح استانی چنین شاخص‌هایی موجود نیستند.

از حیث پیشنهاد پژوهشی نیز باید گفت جنس و ماهیت این تحقیق از نوع تبیینی بود؛ بدین معنا که در پی این بود که ارتباط علی میان دو مقوله توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی را مورد مذاقه قرار دهد. حال، به نظر می‌رسد در تحقیقات دیگر می‌توان با رویکرد توصیفی به این موضوع و نتایج این تحقیق نگاه کرد تا مشخص گردد که چگونه چنین ارتباطی میان مؤلفه‌های مزبور دیده شد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات آتی با شاخص‌های متفاوت‌تری به مؤلفه توسعه یافتگی پرداخته شود تا مشخص گردد که آیا باز چنین نتایجی حاصل می‌گردد یا خیر.



منابع و مأخذ

- اشرفی، س.، بهبودی، د.، دژسند، ف. (۱۳۹۷)، بررسی رابطه غیرخطی نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی: مطالعه موردی ایران، **نظریه‌های کاربردی اقتصاد**، سال پنجم، شماره ۳، صص ۲۱-۴۲.
- افشاری، ز.، بیگزاده، س. (۱۳۹۶)، توسعه مالی، نابرابری درآمدی و فقر در ایران، **فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی**، دوره پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۱۴)، صص ۹-۲۸.
- امیراحمدی، ه. (۱۳۷۵ الف)، پویایی شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران، ترجمه علی طایفی، **نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۱۱۰-۱۰۹، صص ۱۷۱-۱۵۴.
- امیراحمدی، ه. (۱۳۷۵ ب)، توسعه نابرابر استان‌ها در ایران، **نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی**، دوره یازدهم، شماره ۲-۱، صص ۸۱-۶۳.
- باقرزاده، ع.، کمیجانی، ا. (۱۳۸۸)، بررسی آزمون فرضیه کوزنتس - آهلووالیا در مناطق روستایی ایران، **مجله مدل‌سازی اقتصادی**، شماره ۹، صص ۲۹-۵۰.
- باقری، ف. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران، **کنفرانس بین‌المللی مهندسی و علوم کاربردی**، دوره اول.
- تمیزی فر، ر.، ازکیا، م.، وثوقی، م. (۱۳۹۹)، تحلیل جامعه‌شناختی توسعه و نابرابری در ایران، **نشریه مطالعات جامعه‌شناختی**، شماره ۵۶، صص ۳۳۸-۳۱۵.
- جمالی، ف.، پورمحمدی، م.ر.، قنبری، ا. (۱۳۸۹)، تحلیلی بر نابرابری‌های ناحیه‌ای و تعیین اولویت توسعه نقاط شهری استان آذربایجان شرقی، **نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی**، سال پانزدهم، شماره ۳۳، صص ۸۳-۱۰۴.
- جمالی، ف.، قنبری، ا.، پورمحمدی، م.ر. (۱۳۸۹)، نگرش بر مفهوم نابرابری و مفاهیم مرتبط با آن در مطالعات اجتماعی-اقتصادی، **مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا**، دوره چهاردهم، شماره ۲، صص ۱۴۱-۱۲۱.
- جمالی، ف.، پورمحمدی، م.ر.، قنبری، ا. (۱۳۸۸)، تحلیلی بر روند تغییرهای سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در نقاط شهری استان آذربایجان شرقی در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، **مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی**، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۵، شماره ۳، صص ۴۴-۲۱.
- چلبی، م. (۱۳۹۵)، **جامعه‌شناسی نظم: تشریح نظری نظم اجتماعی**، تهران: نی، چاپ هشتم.
- حسین‌زاده، ه. (۱۳۹۶)، تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا: رهیافت اقتصادسنجی فضایی، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، دوره هشتاد و دوم، شماره ۲، صص ۲۶۰-۲۳۳.

دهقانی، ع.، حسینی، س.م.ح.، فتاحی، م.، حکمتی فرید، ص. (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۵۰ با استفاده از رهیافت رگرسیون غیرخطی انتقال ملایم، **مجله مطالعات اقتصادی کاربردی ایران**، شماره ۲۱، صص ۲۱۳-۲۳۶.

دهم‌رده، ن.، شکری، ز. (۱۳۸۹)، اثرات توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، سال هجدهم، شماره ۵۴، صص ۱۶۴-۱۴۷.

رفیع پور، ف. (۱۳۹۴)، **توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم.

سازمان برنامه و بودجه کشور. (۱۳۶۸-۱۳۹۸)، **معاونت آمار و اطلاعات**.

صادقی، ح.، باسحا، م.، شقاقی شهری، و. (۱۳۸۸)، رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه، **نشریه رفاه اجتماعی**، شماره ۳۳، صص ۲۷-۴۴.

صامتی، م.، سجادی، ز. (۱۳۹۱)، تأثیر توسعه مالی بر نابرابری توزیع درآمد (مطالعه موردی منتخبی از کشورهای در حال توسعه)، **پژوهشنامه اقتصاد کلان (پژوهشنامه علوم اقتصادی)**، دوره هفتم، شماره ۱۴، صص ۱۵۰-۱۲۹.

طالبان، م.ر. (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی سیاسی کلان**، تهران: جامعه‌شناسان، چاپ اول.

عصاری‌آرانی، ع.، ناصری، ع.ر.، آقایی‌خوندابی، م. (۱۳۸۸)، تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری در کشورهای عضو اوپک، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی**، سال نهم، شماره ۳، صص ۵۲-۲۹.

عظیمی دولت‌آبادی، ا.، عسگری، ا. (۱۴۰۲)، نسبت توسعه و نابرابری در ایران، **فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دوره دوازدهم (۳)، در نوبت چاپ پاییز ۱۴۰۲.

قنبری، ا. (۱۳۹۰)، تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران، **فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط**، شماره ۱۳، صص ۱۶۹-۱۳۷.

قنبری، ع.، آقایی، م.، رضاقلی زاده، م. (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران، **پژوهشنامه اقتصادی**، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۲۹-۱.

گرب، ا. (۱۳۹۶)، **نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر** (محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاد، مترجمان)، تهران: نشر معاصر، چاپ پنجم.

مرکز آمار و اطلاعات ایران. (۱۳۶۸-۱۳۹۸)، **سالنامه آماری کشور**.

مهدوی عادل، م.ح.، رنجبرکی، ع. (۱۳۸۴)، بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی**، شماره ۱۸، صص ۱۳۷-۱۱۳.

مهرگان، ن.، موسایی، م.، کیهانی حکمت، ر. (۱۳۸۷)، رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره هفتم، شماره ۲۸، صص ۷۷-۵۷.

منکیو، گ. (۱۳۹۵). مبانی علم اقتصاد (حمیدرضا ارباب، مترجم)، تهران: نشر نی، چاپ نهم.

موسوی جهرمی، ی. (۱۳۸۸). توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.

مؤمنی، ف. (۱۳۹۶). عدالت اجتماعی، آزادی و توسعه در ایران امروز، تهران: نشر و نگار، چاپ اول.

نظری، م. (۱۴۰۰). اقتصاد کلان، تهران: نشر نگاه دانش، چاپ سی و هشتم.

Ahluwalia, M.S.(1976).Inequality, poverty and development. **Journal of development economic**, (6): 307-342.

Alesina,A, & Perotti,R.(1996).Income distribution, political instability, and investment. **European economic review**, 40,1202-1229.

Amarante,V. Lanzilotta,B & Torres,J.(2023).Inequality and productive structure,**United nations university world institute for development economics research**, ISSN 1798-7237 ISBN 978-92-9267-317-8, <https://www.wider.unu.edu/>.

Assa,J & Pasanen,J.(2021). **Least Developed, Most Uneven: Inequality and Sustainable Development in the LDCs**, <https://www.un.org/>, UNDP/HDRO.

Barcena,A. Cimoli,M. Buchaca,R.G. Yanez,L.E & Perez,R.(2020).The 2030 Agenda and the Sustainable Development Goals An opportunity for Latin America and the Caribbean, **United Nations publication**, ISBN: 978-92-1-058644-3.

Byrne, B. M. (2010). **Structural equation modeling with AMOS: Basic concepts, applications, and programming**. Routledge.

Chang,J.Y, & Ram,R.(2000). Level of development, rate of economic growth, and income inequality, *Economic Development and Cultural Change*; Jul 2000; 48, 4; **ProQuest Social Science Journals**, pg. 787.

Clarke, G. Xu, L. C. & Zou, H.(2006). Finance and income inequality: What do the data tell us? ; **Southern Economic Journal**, Vol. 72, No. 3: 578 -596.

Kuznets,S.(1955). Economic growth and income inequality. *The American economic review*. 45(1), 1-28.

Muller,E.(1995). Economic determinants of democracy. **American sociological review**, Vol. 60, No6, 966-982.

Nielsen,F. & Alderson,A.S.(1995). Income inequality, development, and dualism: Results from an unbalanced Cross-Nationnal panel, **American Sociological Review**; Oct 1995; 60, 5; *ProQuest Social Science Journals*pg. 674.

Nielsen,F.(1994).Income inequality and industrial development: Dualism revisited, *American Sociological Review*; Oct 1994; 59, 5; **ProQuest Social Science Journals** ,pg. 654.

- Olzak, S. Shanahan, S. & Mceneaney, E. (1996). Poverty segregation and race riots: 1960 to 1993. **American sociological review**, Vol.61, 590-613.
- Rajan, R. G. & Zingales, L. (2003). **Saving capitalism from the capitalists**; New York: Crown Business.
- Ram, R. (1997). Level of economic development and income inequality: evidence from the postwar developed world. **southern economic journal**, 64(2): 576-583.
- Ram, R. (1988). **Economic development income inequality world development**. vol. 16. NO.11.
- Roach, B. Joshi Rajkarnikar, P. Goodwin, N & Harris, J. (2023). **Social and Economic Inequality**, Global Development Policy Center, Boston University, 53 Bay State Road, Boston, MA 02155, bu.edu/gdp.
- Seo, H.J. Kim, H & Lee, Y.S. (2020). The Dynamic Relationship between Inequality and Sustainable Economic Growth, **American sociological review**, <https://www.mdpi.com/>, 12(14), 5740; <https://doi.org/10.3390/su12145740>.
- Todaro, M.P & Smith, S.C. (2021). **Economic development**, Development Research Center, ISBN 978-0-13-801388-2, 11th ed.
- Varane, P. (2023). **Inequality, social protection and the right to development Study by the Expert Mechanism on the Right to Development**, Item 4 of the provisional agenda, Implementation of the mandate and programme of work, A/HRC/EMRTD/7/CRP.4.